

مدتی شد که آنجناب در پاریس بخدمت مشغولید هرچند زحمت و مشقت بسیار است ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۹۵

هو الله

مدتی شد که آنجناب در پاریس بخدمت مشغولید هرچند زحمت و مشقت بسیار است ولی خدمت پروردگار است و اکمال فن طبابت آندیار لهذا سزاوار شکرانه است باید نهایت شکرگذاری را از حصول این موهبت مجری دارید زیرا بعون و عنایت حق اسبابی چنین فراهم آمد که شما در پاریس باشید و نفس نفیس را فدای امر الهی نمائید با جناب آقا سید اسدالله بنهایت مدارا رفتار کنید تا میر ناصر بیاید پیش از وصول میر ناصر حرکت شما جائز نه این شخص در نزد عبدالبهاء بسیار عزیز است زیرا از سادات نحسه است که در ایام مبارک همواره الطاف جمال قدم شامل حال بود و توفیقات اسم اعظم متعدد در حق ایشان صادر این قضیه حاصله عوارض از شدت تفکر و تدبّر و سعی و کوشش در امور حاصل گردید و حکمت بالغه‌ئی در این عنقریب ظاهر خواهد شد

و اما شروح مسیو اترلن در خطوط فصّ نگین اعظم هرچند بدرجه‌ئی مقارن حقیقت است ولی باید که تعمق زیاد نمایند و تدبّر کلی فرمایند زیرا مرگب از دو باست و چهار هاء شرح باء در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم مرقوم گردیده بسیار مفصل است در این نامه نگنجد رجوع بان شود تکرر باء اشاره مقام غیب و شهود است و اما چهار هاء که ارکان اربعه بیت توحید است و عددش متمم عشره است زیرا یک با دو سه سه و سه شش شش و چهار ده و اشاره باین مقام در آیه قرآنت که میفرماید و اتمناه بعشره باری هاء را عدد پنج است و این هاء هاء هویت و حقیقت رحمانیه است در عدد پنج که عدد بابست ظاهر و آشکار است لهذا در فصّ نگین اعظم باء با هاء ترکیب شده است و همچنین اسم اعظم از آن نقش ظاهر و عدد اسم اعظم نه است چون نه را که عدد بها است در باب که عدد پنج است ضرب نمائید نه پنج است که چهل و پنج گردد و همچنین پنج را که عدد بابست در نه ضرب کنی که عدد بها است چهل و پنج است و این عدد با عدد آدم مطابق است و همچنین مفردات نه را چون جمع کنی چهل و پنج است یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده پانزده و شش بیست و یک و هفت بیست و هشت بیست و



ORIGINAL

هشت و هشت سی و شش سی و شش و نه چهل و پنج و همچنین چون عدد باب را جمع کنی پانزده گردد یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده مطابق عدد حواست و موافق حدیث انا و علی ابوا هذه الامة مقصد از آدم حقیقت فائضه متجلیه فاعله است که عبارت از ظهور اسما و صفات الهیه و شئون رحمانیه است و حوا حقیقت مقتبسه مستفیضه مستنبئه منفعله است که منفعل بجمع صفات و اسماء الهیه است باری این ادنی رمزی از ترکیب اسم اعظم در فصّ نگین رحمانیست و همچنین ملاحظه کنید که سطوح ثلاثه عالم حق و عالم امر و عالم خلق است که مصادر آثار است عالم حق مصدر فیض جلیست و عالم امر مرآت صافیة لطیف که مستنبأ از شمس حقیقتست و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطه وسیله کبری المستفیضة من الحقّ و المفیضة علی الخلق حاصل گردد باری باء حقیقی که حقیقت کلیه است چون در مراتب ثلاثه از ذروه اعلی تا بمرکز ادنی نزول و تجلی کرد جامع و واجد جمیع عوالم شد و در افق عزّت قدیمه دو کوکب نورانی ساطع و لامع گردید کوکبی از یمین و کوکبی از یسار و این رمز عظیم دو شکلیست که در یسار و یمین اسم اعظم در فصّ نگین محترم ترسیم گردیده و رمز از ظهور جمال ابهی و حضرت اعلی است و هرچند دو شکل یمین و یسار بصورت ستاره است ولی اشاره بهیکل انسانیت است که عبارت از سر و دو دست و دو پا است و علیک البهاء الابهی ع ع